

اهتمام  
دکتر تقی لطفی  
وکیل دادگستری

## صلاحیت اخلاقی قاضی از نظر امیر مومنان

هنگامی که بزرگان اسلام با مولای متقیان بیعت نموده بخلافت وی یکدل می شدند، در هر گوشه قلمرو پهناور اسلامی آتش جور و ستم فرمانروایان زبانه می کشید. آن حضرت پس از نشستن بر کرسی عدل، حکام ایالات و ولایات را یکی پس از دیگری عزل نموده بجای آنان مردانی پاک و درست بکار می گماشتند. یکی از نقاط آشفته مصر بود که شیرازه زندگی اجتماعی آن درهم ریخته و بحران و سیاه روزی به اوج شدت رسیده بود. معاویه فرمانروای شام در افزایش این نابسامانیها دست داشت، چه او قصد تملک این سرزمین را نموده بود. پس از آگاهی آن حضرت از وضع ناآرامگیر مصر «مالک بن حارث نخعی» معروف به مالک اشتر را روانه آن دیار فرمودند و او از عراق راه مصر درپیش گرفت. از آنجا که وظیفه مالک در آن شرایط بسیار دشوار و وضع حکومت نیز متزلزل بود، «حضرت امام همام یا عهدی» مشتمل بر حقایق دادگستری و دقایق رعیت پروری و رسوم مملکت داری و آداب لشکر کشی مرقوم فرموده از پشت سر مالک فرستادند تا به آن دستور عمل نماید و آن خطه را بحاصل آن مضامین و محصول نصایح دلنشین بیاراید» (۱).

(۱) «دستور حکمت» نگارش مرحوم ذکاء الملک میرزا محمدحسین خان «فروغی» ص ۷ ببعد. این کتاب حاوی مقدمه و ترجمه فارسی و متن عربی فرمان، چاپ سنگی سال ۱۳۲۱ هجری قمری و بخط مرحوم مصطفی نجم آبادی است.

توضیح: «فروغی» تخلص مرحوم ذکاء الملک میرزا محمدحسین خان اصفهانی پدر شادروان محمدعلی فروغی صاحب «سیر حکمت در اروپا» است. مقصود از فروغی در این مقاله همان نگارنده «دستور حکمت» است.

در سر راه نزدیکی خاک مصر مردی خیانت‌پیشه که مباشرت امور خراج آن موضع را در دست داشت و با معاویه برضد مالک اشتر توطئه کرده بود، از وی پذیرایی نمود و در غذای مالک زهر ریخت و در میهمانی باو خوراند و باین نیرنگ و جنایت آن دلیر صاحب شمشیر، را، پیش از آنکه نامه وعهد حضرت امیررا به بیند، از پای درآورد؛ ولی آن نامه ماند و دستور عملی داد گستری. و حکومت گردید.



پس از مراجعت علماء الملك میرزا محمود خان طباطبائی تبریزی از سفارت کبرای اسلامبول در سلطنت مظفرالدین شاه و انتصاب وی به ایالت کرمان نامبرده در این شغل دانست که «مهام مملکت‌داری و رعیت‌پروری کاری سرسری نیست، بلکه موقوف بهزار گونه معرفت و بصیرت و کاردانی است». وی گاه و بیگاه از این رهگذر سخنی می‌گفت. تا آنکه شیخ احمد ادیب از فضالی آن سامان نامه علی (ع) خطاب به مالک اشتر را «برای دستور العمل حکومت مصر» ترجمه کرده بمحضر وی فرستاد و با آن گفتار به این عامل‌دانا سر مشقی بزرگ داد. علماء الملك با آن ترجمه عالی انسی بکمال گرفت. پس از بازگشت به دارالخلافه بر آن شد که مضامین آن دستور عملی حکومت را طبع و منتشر نماید، تا عموم حکمرانان ممالک محروسه و کارگذاران دولت علیه از پند و اندرز و نصیحت‌های سودمند سلطان اولیا صلوات الله علیه بهره برند (۱).

تاریخ ترجمه فرمان سالار اتقیا علی سلام الله علیه به فارسی، چگونگی نخستین ترجمه و خصوصیت‌های مترجم آن پیش از این سابقه هنوز بدقت و یقین روشن نیست. بر حسب تحقیق فروغی جناب شیخ احمد دانشمند کرمانی نمی‌تواند نخستین مترجم فرمان باشد، چه ملازمان علماء الملك میرزا محمود خان طباطبائی تبریزی که خود در ترجمه این اثر به دانشمندان آن عصر انگیزه می‌داد، می‌دانستند که «چند سال پیش آن نامه نامی بانشای گرامی مرحوم آقا محمد ابراهیم بدایع نگار معروف به نواب طباطبائی ترجمه شده و آن نویسنده بارع از مترسلین عصر چون چشم بر سر بود، جز اینکه برای فهم عامه ذوق سلیم

(۱) دستور حکومت، ص ۳ بیعد.

وسلیقه مستقیم عبارتی آسانتر تقاضا و طلب می نمود و فاضل کرمانی بصافی و روانی چیزی نوشته و در ترجمه بفصاحت و بلاغت مفید نگشته، یعنی بلفظ چندان نظر نکرده، گرچه گوهر معنی را پاك و پاکیزه آورده...»<sup>(۱)</sup>؛ بنابراین پیش از فروغی دست کم دو ترجمه دیگر در فارسی موجود بوده که یکی بیانی دشوار و فنی داشته به قواعد زیبایی و فصاحت و بلاغت سخت آراسته، و دیگری درخور فهم همگان، ساده و کمتر پای بند صنایع لفظی و ادبی بوده است. تا آنکه بفرمایش علاءالملک «زمام اختیار آن نگارش اعلی و گذارش اسنی» و طبع ترجمه فرمان به «محمد حسین اصفهانی ملقب به ذکاءالملک و متخلص به فروغی» محول می گردد. فروغی با این سابقه خود را بر سر دوراهی می بیند؛ تکلیف وی این بود که «بقصد میانه روی و اقتصاد و احترام از کم و زیاد» «بین بین» راهی به پیماید و صعب را سهل نماید، «چنانکه رونق اصلی بماند و خواننده آنرا مشکل نداند». و انصاف که نیک از عهده برآمده است. نگارش فروغی یکی از نمونه های عالی نثر روان و ساده فارسی است.



فروغی فرمان مولی به مالک را «دستور حکومت» خوانده و آنرا «کلیات حکمت دانسته است، چون «این کتاب مستطاب دستور العمل صحیح حکمرانی است، بل اصل اصیل جهانبانی و مشتمل بر قواعد کلیه ریاست و قوانین مفیده سیاست.»

در این فرمان شرایط معنوی اشتغال به قضاوت در دیده مبارک آن حضرت قرار گرفته و خامه پاك و آسمانی اندیشه تابناک وی را در این باره آشکار فرموده است: مهمترین شرط اصالت قضا، گذشته از شرایط عمومی بلوغ و رشد و اسلام همان «صلاحیت اخلاقی قاضی» است که او را از دیگران ممتاز می سازد؛ و دیگر اینکه دادرس باید بی نیاز باشد. غنای طبع قاضی در میان سخنان جاودان پیشوای شیعیان به صراحت قوت و تایید می یابد:

(۱) دستور حکومت، ص ۵.

دای مالک ! برای حکومت شرع و انجام مهام قضا کسی را انتخاب کن که فی الحقیقه بر دیگران برتری داشته باشد ، در هیچکار در نماند و عرصه بر او تنگ نشود . لجاج خصم وی را بستیزه و اندارد و راه جدل نسیارد ، دیری در لغزش نماند و همینکه ملتفت حق شد ، زود بازگشت تواند ؛ پیرامن طمع نگردهد و بآنچه در نظر اول می فهمد ، قانع نشود ، بلکه در مطالب غور و استقصا نماید و در محل شبهه و تردید توقف کند ؛ متمسک بحجت و برهان گردد و از بازگشت خصم مطلقاً نرنجد ، در کشف و اکتشاف امور دقیق و صابر باشد و چون حق روشن و معلوم شد ، در امضای آن تأمل و درنگ را جایز نداند ؛ ستایش زیاد برای او عجب و غرور نیارد و برانگیختن بیاطل وی را از راه حق منحرف و مایل ندارد . و از آنجا که درستکار با استقامت کم است ، بیشتر از عمل عمال قضا و حکام شرع خبر گیر و درست بفهم که چه کرده و می کنند ! و در معاش ایشان نیز وسعت ده تا راه عذر آنها را بسته باشی و برای خلاق و خیانت بهانه نداشته باشند و فی الحقیقه محتاج ب مردم و گرفتن رشوه و تعارف نشوند .

ای مالک در آنچه گفتم با دقتی بلیغ نظر نما و از فساد مفسد بر حذر باش ، چه این آیین گزین دست خوش اشرار است و گرفتار اغراض ده منشان بدکار . بهوای نفس در آن عمل کنند و دین را دستاویز نموده دنیا طلبند . و چون چنین است ، باید عمال خویش را از پیش بیازمایی و پس از امتحان برای جمع مالی بجایی مأمور نمایی . و از چیزها که مخصوصاً باید بنظر داری ، این است که کسی را بگرفتن هدیه یا میل خود بکاری نگماری و بشغلی نگذاری ، چه تمام فروع خیانت و جور از این دو اصل بیرون آید و هدیه و طرفداری یا استبداد و خودرایی رونده را از راه امانت خارج دارد و او را بحال استقامت نگذارد .



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی